

نمره یاردم

شهریور ۱۳۰۰

ش

این روزنامه شرمنده باشی یک نمره بدهیم

بخت نخواهد از این سالانه کیت تو مان دو هزار شاند



نواب والاعظم الدوله

کافی

نواب والاعظم الدوله عبداصمد بزرگ از خوان طبل اش جنهرت سلطنت شاپوراد کان بزرگ انجام داشت اقران بزرور داشت

وکنایت کامل آراسته و باگرفتن علیه کلات طلاحت تخلی و بخشی زانه خارج صاحب بط و همارت شانه پر زانه  
هرات لیاقت و شایستگی ایشان در خدمات دولت ابدیت علیه شهد و معلوم خاطر خیر علیحضرت شاهزادی دام ملکه کرد و در سال  
هزار و دویست هشتاد و چهار بعثت حبیل عز الدوام طبق کشته و از آنوقت الی آن غایب ممکن حمله ای و لایات مختلفه ممالک محروم بوده  
و با غلب هیازات بزرگ این دولت نایل کشته و در نفر فرماندهان ایل هزار و دویست و نو و بشرف تراجم رکاب اعلی مسند  
کردیده در میان خیرمال نیاز جانب سی انجوانت چایون تهیت و تبریکت با جلد ایل علیحضرت لکساندر سیم امپراطور فل مالک کشته  
مامور سکو شده این غارت کبری را با حسن جوہ بانجام رسانیده سور و غرافه و ان امپراطوری کردیده مراجعت کرد و یا  
حمله ای و لایات همدان و توابع بر عهمده کفالت نوا معظمه موکول ایزرا دیلی بیزرا ولد ایشان در آن لایات نایا مشغول حمله است

### نواب ناصر الدوام

نواب ناصر الدوام بعد احمدیه بیزرا از ایزرا از میزرا از زادهای معظمه هواره در دایر نظام این دولت جاوید حشام بخدمات لایقه مشغول از فرط ای  
وکنایت در انجام هر خدمتی خاطر خیر چایون را میسرین سرت و خرسندی ساخته بر ایل ملایل باستیارات عده فایز آمد  
بلسب حبیل ناصر الدوام از اتفاق ایشان این دولت قوی بنسیان طبق کرد و اینکت حمله ای کرمان بلوچستان عده کفالت و ایام  
ایشان موکول است و در امور حمله ای فشرد هم نodon موجبات آسایش عایا جهد و افی سبده ول سید ای

### بعنه نفر سعادت ارشاد شاه صاحب تردنام مملکه بنمارتاق

خلاصه از بالای کردنه و سر کوهها بهم جاراه را سر بالا و سر از زیر ساخته باز راه زیادی فرسته در پایی کردنه بدله هنر سید کم که  
تول بیزرا ولی مستوفی پسر بیزرا احمد اده خوبی است خانه ای خوب و درخت فرزاعت بیاری ای ردیلیاق بسیار خوبیت از این دره  
پدره دیگر سید کم که منزل است آرد و رادر مرده از فزارع یا کروز زده ای اشجار و زراعت خوبی دارد و ساعت بعروبه مانده و از نزدیکی  
روز شنبه ششم در این نمرل اتراق شده که کسالت راه دیر فوز را داشته قهوه چی باشی بعضی نمونه سنگهای معدنی آورده چنان شده ای

منزل چاله ای اسرا کردیم چون ریارسته آب بسیار خوبی از میان دره آن سیده دیده کویه استی بکشید میود

بکشید میتم باید بیم ببلده و بقیه نمرل و سراپرده مارا بالا تراز بلده در سر آبی که از دره یوش می آید زده ای سوار شده رانم کم

سیدان اب اه بود ای ده یار و ده خوبی است یکم میرزا ولی ستوفی است آزدم خانه میرزا علی محمد یار و دکم برادر حاجی طاها دادی  
یار و دی مرحمت که شیخ خودش بیرون آمد خانه اش قدری خراب بود حکم شد میرزا ولی ستوفی خانه اش را بازداشت آنچه از



### نواب ناصر الدله

همه جاگزار نهری که بید کاشته بودند فرستیم تا ده پرچ که انهم یکم میرزا ولی است بقدر یکم نشست کنند همه جاگزار نهر و زیر سایه  
که میسر و دازین ده که بقدر یکم نشست کنند را نیم راه بینه کو و دره نکنی افراقد مری هم سه ازیر داشت و پیشیاد ریاحا ها قدر نی

سکار کرده بودند آین راه ذره نکت زوگام شده داخل رعایت و رخت زار فریه کلیات کردیده دلگذشت در کار رودخانه است که از دره ملود نورمی مید کوشیا بایمی که در لار و وراود بروانقلب و بارندگی شده بود اینجا های خمیلی با رسیلی زیاده بول زیادی آب ذره که دو صافت آماهی که از رودخانه بکش می مید و سه اپرده را بر سران ده آنکه اود است خلاصه و ارسانی شدیدم اینجا روز باده های خیلی تند می مید چنانکه امروز هم خیلی بآمد آه بشی بادنیت و بوا ارام ا تکر کرده و روساد خوان خیزد عیشه آمده

بخصوص رسیدند حامل اینجا های بهتر براست آسفند تازه از زمین و سیده است

رور دو شنبه هم دسته طرزیاد و جواب عانیض ظل است دهان از شم پیرش کار را هم درست دیدم برو دپر تاسیان کجور قرق سرمشی کرد و باید چهار ساعت بغروب بازه سوار شده فریم تا ده بلده و پامین انجام اکبر دش کنربرو دخانه زدیدم آما آب و دخانه صاف و نیش همار و بیست نکت بود بر احت عبور و مرور میشد فریم بایی نکند که آب این دخانه انجام میروند نکند و راه دایکی از خارج ده میگذرد و از راه بیرون فریم جای هیغی بود نکهای بزرگ از ده طرف سر باشان کشیده اند و این است که مردم در وقت بستان از این عبور و مرور تعلق میکند ترف دست چپ از بغلکوه محمد بیخان نوری مرحوم بایی خانه است که بعد از قدر دی و قدم پیزیزیت و این های بایی و که آب رودخانه طغیان نکند و راه عبور مردم از پامین بسته میشود تخته نکت بزرگ کوہ است که بعد از قدر خداوند وضع بیعنی مثل است که شیش کشیده این نکت کار بردیده با و رایی بعد رایکه بکت آدم بایکمال بکنبد دار نکت شکاف شده است پس بوضع بیعت طبیعی بیعت و حال آنکه بیعنی است این کاف راه مدوش مردم شده از این طرف نکت بعد از قدر دوست قدم را با خانه محمد بیخانی است که با نکت دوست نکه است یکی میسر براه صاف محله بالا که جزو حکومت نظام الکات طایفه خواجه احمد پامین که زرد یکت نکله است جزو حکومت طایفه طلا پشت و دوست نکه است یکی میسر و بکجور یکی بخورت رودبا و سطه توکنه بالای بلندی یک قلعه از قدیم ساخته اند که حالا هم امارش باقی و پیدا و این قلعه دوست نکه راه راح است میکرده اند که میروند بخورت و دبار از انجام میروند بچه اسان از انجاب بولده کوه های اینجا خند مغاره غریب دارد آما این نکله میش زیارت قدم نیت زمینه است براه ویسح میش خلاصه محل خوبی اثاب کرد اند نم قدری است